

جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آثار مکتوب اهل سنت قرن هشتم

فاطمه ضیایی^۱

چکیده

یکی از مهمترین مسائل مسلمانان وحدت بین مذاهب است. بنابراین، دانستن مشترکات مذاهب اسلامی، الزامی و رهگشاست. برای اهل تشیع نیز اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضروری است. دانستن نظرات بزرگان و علمای اهل سنت درباره ائمه به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعامل بهتر بین شیعیان و اهل سنت و جماعت می انجامد. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی است که مکتوبات موجود در آثار نویسندگان بزرگ و اندیشمندان دینی-مذهبی اهل سنت در قرن هشتم را جمع‌آوری می‌کند؛ زیرا از قرن ششم به بعد به دلیل حمایت حکومت‌ها از اهل سنت با توجه به جغرافیای محل سکونت ایشان، آثار بیشتری ثبت شده است. نگارنده در پژوهش حاضر، مطالب اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل گزارش‌های کوتاه و مختصر و نگاه‌های مثبت این عالمان به ائمه شیعه به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آثار مکتوب، اهل سنت، قرن هشتم.

۱. مقدمه

در نگاه مسلمانان و مراجع عظام، وحدت مسلمانان و اتحاد بین همه فرق و مذاهب اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اتحاد مسلمانان در برابر دیگر ادیان جهان موجب اقتدار، حقانیت و مصونیت مکتب اسلام می‌گردد. بنابراین، در گام نخست، شناخت فرق و مذاهب اسلامی از یکدیگر به این

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، قم، ایران.

امر کمک شایانی می‌کند. پژوهش حاضر به آثار اندیشمندان اهل سنت قرن هفتم اشاره می‌کند؛ زیرا در قرن‌های پیشین، شیعه موفق به تشکیل یک سلسله حکومت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود و به عرصه سیاست عملی راه پیدا می‌کند و حکومت‌های شیعی و قدرتمندی مانند آل بویه و حمدانیان را تأسیس کرد. این موضوع باعث گسترش مفاهیم و عقاید شیعه در جهان اسلام شد. از ۲۲ کتاب موجود در بازه زمانی ۷۰۰ الی ۸۰۰ حیات چند تن از امامان اولین بررسی می‌شود و ۱۱ کتاب دیگر به حیات ۱۲ تن از معصومان اشاره دارد که جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در آنها مشاهده می‌شود. نوشته پیش‌رو باروش توصیفی-تحلیلی به شیوه گزارشات اهل سنت در حوزه نگارش ائمه، خاستگاه جغرافیایی و مذهبی نویسندگان، معرفی اجمالی نویسندگان و تحلیل نوشتار آنها می‌پردازد. دیدگاه‌های علما درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این آثار از نظر بازه زمانی نسبت به پژوهش‌های دیده شده مشابه ندارد. کتاب سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت اثر منصور داداش نژاد از نظر وصل کردن به منابع اولیه به پژوهشگر کمک بسیاری کرد و مناطقی که در حمایت حکومت‌های اهل سنت بود، توانستند آثار خود را ثبت کنند. در حکومت‌هایی که در حمایت تشیع بودند آثار شیعیان و فعالیت اهل سنت در آنجا و در آن زمان‌ها کم و یا صفر است. بیشتر این اندیشمندان از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده و غیبت ایشان را نیز یادآور شده‌اند. زرنندی ارادت بسیاری به ائمه ابراز کرده و اطلاعاتی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت و ظهور ایشان آورده است. برخی دیگر مانند ذهبی با یادآور شدن اطلاعات تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به غیبت و ظهور ایشان اعتقادی نداشته و فقط نظر شیعه را بیان می‌کند و شیعیان را گمراه می‌داند.

۲. اصول کلی تاریخ‌نگاری اهل سنت درباره دوازده امام

در تاریخ‌نگاری‌ها بسیار کم پیش می‌آید که نویسنده‌ای بی‌طرف دست به نگارش زده باشد. در بررسی آثار نویسندگان اهل سنت که درباره ائمه عليهم السلام مطلب نوشته‌اند پیداست که باتوجه به عقاید مذهبی خود دست به قلم برده‌اند. دیدگاه نویسندگان اهل سنت درباره ائمه و صحابه

این گونه است که به حفظ موقعیت صحابه رسول خدا ﷺ پایبند بوده و مراتب چهار خلیفه اول، برترین و بالاترین موقعیت است. این مورخان مناقب و فضائل بسیاری برای صحابه ثبت کرده‌اند. هیچ خصلت و منقبتی در هیچ کدام از این چهار خلیفه ذکر نشده مگر اینکه همانند آن برای دیگری ذکر شده است. (ابن الی الحدید، بی تا، ۷/۱؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۲۰) ابن حجر با قبول کثرت فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام همچنان تأکید بر رتبه چهارم ایشان بعد از خلفای سه گانه می کند (عسقلانی، ۱۴۱۸، ۸۹/۷)، تلاش بسیاری برای محو اختلافات سیاسی میان صحابه می کند، سقیفه را حذف و صحابه را از هوی و هوس به دور دانسته و خطاهای آنها را اجتهادی می داند، بیعت نکردن امام علی علیه السلام با ابوبکر را از این موارد می داند (طبری، ۱۴۲۴، ۲۴۶/۱)، برای ائمه امامت اخلاقی و معنوی قائل هستند نه سیاسی و عصمت امام را قبول ندارند (ذهبی، ۱۴۱۴، ۲۰۴/۴)، اما در نقل فضائل کرامت و شفاعت ایشان امتناعی ندارند (حکسانی، ۱۴۱۱، ۴۸۸/۲). باید یادآور شد در طول تاریخ برخی جریان ها مانند فرقه غالبان و معتزله باعث شده تا نویسندگان اهل سنت راه و منش ائمه را از شیعیان جدا نشان دهند (ابن حبان، ۱۹۱۷، ۴۵۶/۸). آنها امامان را راست گو می دانند، اما به شیعیان حمله می کنند. اصل دیگر این است که مورخان و نویسندگان اهل سنت برای تعظیم ائمه واژه هایی به کار می برند که شیعیان از آن واژه ها برای امامان خود استفاده نمی کنند مانند تعبیر برای امام علی علیه السلام که موضع و نظرشان را می توان دریافت.

۳. خواستگاه جغرافیایی و مذهبی نگارش های ۱۲ امامی اهل سنت

در این بخش به معرفی خواستگاه جغرافیایی آثار و نگاشته های اهل سنت پیرامون ائمه دوازده گانه شیعه و مذهب حاکم در این مناطق از قرن اول تا قرن هشتم توجه شده است. جهان اسلام طی قرون به مناطق حجاز، عراق، خراسان و ماوراءالنهر و جبال تقسیم و سهم هریک در موضوع مورد نظر مشخص می شود. باید خاطر نشان شد که دانشمندان اهل سنت در مناطق شیعه نشین، حضور پررنگی نداشتند. در تحقیق حاضر اهتمام کمتری به مناطق کوفه، نجف و دیگر شهرها شده است. کتبی که در آن از ائمه یاد شده برخی به طور مستقل درباره ائمه نوشته اند

و برخی در کتاب خود از ائمه یاد کرده‌اند که در بخش آثار به نویسندگان قرن هشتم این مناطق اشاره می‌شود.

۱-۳. منطقه حجاز

در این منطقه شهرهای مکه و مدینه بارز است. این دو شهر در سه قرن نخست به دلیل حضور صحابه و تابعین شاهد شکوفایی و نشاط علمی به‌ویژه در نقل و تدوین حدیث بود و مکه پیرو مدینه بود. مکه در قرن‌های بعد شاهد بی‌رونقی علم است؛ زیرا رقابت‌های خارجی برای نفوذ و تسلط بر این شهر و کشمکش‌های داخلی میان اشراف برای به‌دست آوردن قدرت بود. هنگامی که مکه زیر سلطه عصر دوم ممالیک (۷۸۴-۹۲۳) قرار گرفت امنیت نیز شکل گرفت و حرکت‌های علمی نیز شروع شد و اطلاعات مربوط به ائمه ثبت شد. مدینه در عصر فاطمی و ایوبی گرایش‌های شیعی داشت. در این شهر امیران از بنی مهنا و از نوادگان امام حسین علیه السلام بودند که با دولت فاطمیان مصر روابط دوستانه داشتند. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۶۲/۱) با آمدن دولت ممالیک، هم‌زمان با قرن هفتم و هشتم، حکومت ازدست شیعیان خارج شد و امور حکومتی به‌دست اهل سنت افتاد. در این دوران دانشمندان اهل سنت ساکن مدینه کتاب‌هایی درباره ائمه ارائه کردند. این کتاب‌ها اطلاعات ویژه‌ای درباره ائمه ارائه نمی‌کنند. ویژگی این کتاب‌ها آن است که به تناسب سیاست دولت ممالیک در آن روزگار در خلال زندگی ائمه گاه به شیعه می‌تازند. با اینکه مدینه محل ولادت ائمه بوده است، اما نگارش‌های مدینه درباره ائمه کم‌رنگ است و در دوران ممالیک فقط چند کتاب نوشته شده است.

۲-۳. عراق

این منطقه با محوریت سه شهر بصره، کوفه و بغداد تعریف می‌شود که تا قرن چهارم شکوفایی علمی-فکری و گرایش‌های عقلی در آنها دیده می‌شود. بعد از این قرن با ورود سلاجقه، مذهب سلفی و زهد صوفیانه در این منطقه نمود یافت، اما پس از سقوط دولت سلجوقی شیعیان در اواخر قرن ششم آزادی یافتند. بصره به شهری با مسلک عثمانی مشهور بود، اما همچنان شیعیان نیز



حضور داشتند. (المنصوری، ۱۴۳۵، ص ۲۲۲) در شهر کوفه به صورت عمومی گرایش و میل به علویان دیده می‌شود. در شهر بغداد نیز که مرکزیت علمی-فرهنگی در دوره خلفای عباسی بود دانشمندان بسیاری حضور یافتند و آثار بسیاری از آنها ثبت شده است. در این سه شهر از قرن پنج به بعد فعالیت علمی اهل سنت کم‌رنگ‌تر شده و به افول گراییده است که نشان از حضور علمای شیعه است.

۳-۳. خراسان و ماوراءالنهر

این منطقه در شرق قلمرو اسلامی قرار داشت و دانشمندان این مناطق در همه قرن‌ها به زندگانی ائمه توجه داشتند و اطلاعی درباره ایشان ثبت نشده است. مذهب عمده مردم این مناطق به‌ویژه در قرن ششم، سنی حنفی بود. (ضیایی و موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۱) سیاست مذهبی غزنویان (۳۵۱-۵۹۸) و سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲) که بر این مناطق حکمرانی می‌کردند مخالفت با تشیع بود. فعالیت‌هایی نیز برای مقابله با رشد تشیع انجام شد و دانشمندان اهل سنت بسیاری با حمایت حاکمان دست به قلم زدند. پس از مذهب حنفی، مذهب شافعی بیشترین تعداد پیرو را در قلمرو سامانی به‌ویژه در ماوراءالنهر و حومه بخارا داشت. در کنار اهل سنت، تصوف و مذهب تشیع هم در بخارا پیروانی داشت (قزوینی، ۱۳۷۳، ۳۷۲/۲)، پس از آن با آمدن حکومت مغول و تیموری (۹۱۱-۷۸۲) که مذهب حنفی داشتند شیعیان وضع بهتری یافتند. در شکوفایی منطقه ماوراءالنهر از نظر علمی باید گفت که تا اواخر قرن چهارم در دوره حکومت سامانیان شهرهای این منطقه جزو مراکز اصلی مطالعات اسلامی بود و دانشمندان زیادی در آنجا گرد آمدند. بخارا به قبه‌الاسلام شهرت یافت (نرشخی، بی‌تا، ص ۷۷). با افول سامانیان این دوره طلایی برای ماوراءالنهر پایان یافت. پس از آن در دوره تیموریان (۷۷۱-۹۱۱) این منطقه جان تازه‌ای گرفت و به مرکزیت علمی و فرهنگی دوباره دست یافت که به آن رنسانس عصر تیموری گفته می‌شود (گلجان، ۱۳۸۳، ص ۱۲). قرن‌های هفتم، هشتم و نهم دوره احیای علم و دانش نامیده شد (غفرانی، ۱۳۸۷؛ حاجیان‌پور، ۱۳۸۶). تساهل مذهبی بین مسیحیت، زرتشت، مجوس، مانویت و یهودیت در این

منطقه که همواره محل تلاقی تمدن های بزرگ اطراف خود بود و ادیان و مذاهب مختلف در آن پیروانی داشتند وجود داشت (ایزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). تسنن آمیخته با تشیع در مقایسه با دیگر مناطق جهان اسلام وضوح بیشتری در آثار تدوین شده دارد. تعداد زیادی از دانشمندان اهل سنت این منطقه را می توان یافت که به شرح حال، مناقب و فضایل ائمه پرداخته اند.

۳-۴. جبال

ری و اصفهان از شهرهای بزرگ و مشهور این منطقه است. ری در قرن چهارم از بزرگ ترین مراکز چهارگانه منطقه جبال بود. (گای، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱) شهر ری به گفته ابن حوقل: «بسیار بزرگ و آباد است جز آنکه نیشابور از آن وسیع تر است و مردم بر مذهب سنی زندگی می کردند. پس از حضور عبدالعظیم حسنی شیعه در آن رشد کرد و او از بنیان گذاران مکتب حدیثی و روایی شیعه در ری است. شیعیان در مجلس حدیث او شرکت و اخبار و روایاتش را نقل می کردند» (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۶). در زمان آل بویه شهر ری به پایتخت فرهنگ شیعی تبدیل شد و عالمان و فقهای بسیاری در آن رشد کردند (قائدی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). شیخ صدوق از عالمان برجسته شیعه به این شهر مهاجرت کرد (نجاشی، ۱۳۰۷، ص ۲۶۱) و باعث رونق تشیع شد، البته همسایگی با شهر قم نیز همین نتیجه را داشت تا حدی که عبدالجبار معتزلی قرن چهارم را قرن تشیع نامید (همدانی معتزلی، بی تا، ۲۱۱/۱). تا قرن ششم اهل سنت شافعی و حنفی نیز حضور داشتند و توسط سلجوقیان حمایت می شدند. در آستانه حمله مغول به ایران به مرور حضور این مذاهب کم رنگ شد و از قرن هفتم به بعد این شهر شیعه نشین شد. دانشمندان اهل سنت فعالیت چندانی در ری نداشتند و آثار موجود به قرن های اول تا چهارم ختم می شود. اصفهان نیز تا قبل از روی کار آمدن آل بویه به مذهب اهل سنت، گرایش داشت. حنبلیان و شافعیان با وجود تسنن، فضایل ائمه را نقل می کردند. پس از آل بویه، شیعه در این شهر رشد کرد. وقتی اولجایتو (م ۷۱۶) در قرن هشتم اعلام پذیرش تشیع کرد این شهر به مقابله پرداخت، اما سرکوب شد (ابن بطوطه، ۱۴۰۷،



۲۱۵/۱). در قرن هشتم و نهم میان اهل سنت و تشیع تفاهم بود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹) و دانشمندان بسیاری در نقل و بیان فضائل ائمه سهیم بودند.

۳-۵. شامات و مصر

در غرب قلمرو اسلامی، شامات و مصر در دولت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) شاهد رواج تشیع بودند، اما در ادوار بعدی یعنی، زنگیان، ایوبیان و ممالیک، شیعیان زیر فشار بودند. اهل سنت پایگاه محکمی داشت و سختگیری بر شیعیان همواره وجود داشت به گونه‌ای که ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸) فتوای قتل شیعیان را صادر کرد. (ابن تیمیه، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴) تعداد قابل توجهی از دانشمندان اهل سنت که در قرن هشتم اثری از خود درباره ائمه برجای گذاشته‌اند نیز از این منطقه هستند.

۴. بررسی آثار مکتوب اهل سنت در قرن هشتم

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دوازدهمین امام شیعیان است. پدر بزرگوار ایشان حسن عسگری عجل الله تعالی فرجه و مادرشان بانو نرجس است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد. از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ غیبت صغری ایشان بود و از آن به بعد غیبت کبری شکل گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد. تازمانی که به‌اذن خداوند ظهور ایشان اتفاق افتد شیعیان آن حضرت منتظر هستند.

۴-۱. معارج الوصول، زرنندی حنفی (۶۹۲-۷۵۷)

محمد بن یوسف زرنندی از زرند (توابع ری نه کرمان) (طهرانی، بی تا، ۱۲۵/۸) است که زادگاهش در مدینه و به تدریس حدیث مشغول بوده است. وی بعدها به شیراز مهاجرت می‌کند و همانجا نیز ماندگار و امر قضاوت شهر را عهده‌دار می‌شود و همانجا نیز وفات می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۴۳۴). زرنندی بر مذهب حنفی است. کتاب معارج الوصول الی معرفه فضل آل الرسول و البتول از مناقب اهل بیت عجل الله تعالی فرجه بحث می‌کند. آغاز آن، شرح حال امام علی عجل الله تعالی فرجه و پایان آن، شرح حال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. از حضرت بتول سخنی در کتاب نیست. وی در مقدمه کتاب دعا کرده است که تألیفش ذخیره روز آخرت و مشمول شفاعت اهل بیت قرار گیرد. علاوه بر صحابه به ائمه نیز ارادت نشان داده است و حب ائمه را موجب سعادت دنیا و آخرت می‌داند. براساس گفته

او در موضوع فضایل ائمه ۱۲ گانه نوشته ای را ندیده که الگوی کار خود کند و منبع اختصاصی نداشته است. باین حال وی در شرح حال های امامان در چند سطر ایشان را با عبارات بلندی می ستاید و القاب امام را ذر می کند و سپس اطلاعات شخصی مثل مولد، وفات، و مدفن، مادر و فرزندان را ذکر می کند. از ائمه بانام امام یاد کرده، اما از عصمت آنها سخنی نگفته است. وی کرم الله وجهه را برای امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می آورد. درباره امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ نیز به بیان کرامات مشهور پرداخته و ایشان را فرع شاخه نبوی و ثمره ائمه پیشین می داند. اطلاعاتی درباره غیبت امام که در سال ۲۶۹ غائب شد، دارد و می گوید ایشان ۴۱ سال داشت که از آن پس کسی ایشان را ندیده، البته این گزارش در هیچ منبعی به این صورت یافت نمی شود و از اشتباهات مؤلف است (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸)؛ زیرا غیبت کبرای امام عَجَلُ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ در سال ۳۲۹ آغاز شده است.

۴-۲. مرآت الجنان و عبرت الیقضان، یافعی (متوفی ۷۶۸)

عفیف الدین بن عبدالله بن علی یافعی در سال ۶۹۸ در بندر عدن از شهرهای سواحل جنوبی یمن متولد شد و در همان شهر رشد کرد. وی از یافع از قبایل حمیر است. یافعی، گرایش های صوفیانه داشت و به زنده بودن حضرت خضر اعتقاد داشت. از نظر گرایش مذهبی، شافعی بود و در اصول از مذهب اشعری پیروی می کرد. در این کتاب وی بیشتر به شرح حال افراد و وفات آنها پرداخته و از حوادث سخنی نگفته است. به دلیل گرایش های صوفیانه، شرح حال وابستگان این گروه را مفصل تر آورده است. دانشمندان معاصر شیعه نیز از این کتاب استفاده فراوان کرده اند؛ زیرا مهم است که شرح حال بسیاری از دانشمندان شیعی را آورده است. در این کتاب از دوازده امام مطالبی آورده است. به صورت سال شمار پیش رفته و درباره امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در حد یک سطر سخن گفته و ایشان را پدر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با القاب خاص خوانده است. همچنین از ظهور حضرت در آخرالزمان از سرداب سخن گفته و آخرین امام دوازده گانه معرفی کرده است. شیعیان را رافضی خطاب می کند و می گوید این گمان آنهاست که از سرداب سامرا انتظار ظهورش را می کشند: «فیها توفی محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی

الرضی بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، أبو القاسم الذی تلقبه الراضة بالحجة وبالقائم وبالمهدی وبالمنتظر، وبصاحب الزمان. وهم ينتظرون ظهوره فی آخر الزمان من السرداب، وهو عندهم خاتم الأئمة عشر الإمام. وضلال الراضة ما علیه مزید، فإنهم یزعمون أنه داخل السرداب الذی بسر من، رأی، وأمه تنظر إلیه، فلم یخرج إلیها، وذلك فی سنة خمس وستین، وقیل ست وخمسين ومائتين وهو الأصح، فاختم فی الآن، وكان عمره لما عدم تسع سنین، وقیل أربع سنین، وقیل غیر ذلك فی سنه، وفی السنة التی عدم فیها. وهم ينتظرون ضالته منذ خمس مائة سنة، وما وجدوها ولا یجدونها» (یافعی، ۱۴۱۷، ص ۱۳۳).

۳-۴. فصل الخطاب، خواجه محمد پارسا (۸۲۲-۷۴۹)

محمد بن محمد بن محمود بخاری مشهور به خواجه پارسا از بزرگان طایفه نقشبندیه (نام یکی از سلسله های صوفیه) است که در بخارا به دنیا آمد. (شبلنجی، بی تا، ص ۴۲۳) سال ۸۲۲ در سفر حج درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد. خواجه پارسا، سنی غیرمتعصب و دوستدار اهل بیت بود. خواجه در این کتاب با علم به قدرت و نفوذ شیعه در مناطق خراسان که دیگر اقلیت مذهبی محسوب نمی شد به بحث درباره ولایت و اهل بیت علیهم السلام پرداخته است (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۳۴). او مسائل اختلافی میان سنی و سنیان با شیعه را در کتابش خواسته فیصله دهد. در این کتاب علاوه بر احادیث و آثار و شرح مقامات و طبقات صوفیه به احوال بسیاری از بزرگان، اولیا و خلفای راشدین، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و شیوخ اهل سنت می توان دست یافت. بخشی از این کتاب به شرح زندگانی ائمه علیهم السلام براساس منابع اهل سنت اختصاص دارد. وی اطلاعات شخصی را مدنظر گرفته و نقش ایشان در تاریخ را متذکر نشده است. در این کتاب، تمام روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دوازدهمین امام و ظهورش آمده است، اما اینکه وی به غیبت اعتقاد دارد، مشخص نیست. مطالبی که درباره امام زمان نقل می کند بسیار به شیعه نزدیک است، اما نظر خود پارسا نیست و مطالب را از جانب خود نمی گوید، بلکه می نویسد در نظر شیعه چنین است:

«فزعمت الشيعة الاماميه، ان ابالقاسم محمد بن الحسن العسگری عليه السلام هو الامام القائم» (پارسا، ۱۳۸۱، ص ۵۹۹).

۴-۴. تاریخ بناکتی، داوود بناکتی (متوفی ۷۳۰)

فخرالدین ابوسلیمان داوود بن تاج‌الدین بناکتی است. بناکت شهری در ماوراءالنهر درکنار رود سیحون بوده و نسبت نویسنده به همین شهر است. بناکتی سنی مذهب بود. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۴۲۲/۲) آقابزرگ تهرانی کتاب وی را در شمار کتاب های شیعیان آورده است (طهرانی، بی تا، ۱۱/۲۹۰)، ولی باید گفت که بر صحابه درود می فرستد و هنگام یاد از ابوبکر او را با واژه صدیق یاد می کند. وی از شیعیان به گونه ای تعبیر کرده که گویا خود را از آنان جدا می دانسته و تعبیر: «کرم الله وجهه» و «رضی الله عنه» را برای ائمه به کار برده است. نام اصلی کتاب، روضه الاحباب فی معرفه التواریخ و الانساب است که به نام نویسنده اش تاریخ بناکتی شهرت یافته است. موضوع کتاب، تاریخ عمومی جهان است که از آفرینش آغاز می شود و تا جلوس ابوسعیدخان بر تخت حکمرانی در سال ۷۱۷ ادامه می یابد. نویسنده در بیان زندگی ائمه مختصر عمل کرده و درحد یک صفحه مطابی را به زبان فارسی و نثری ساده آورده است. وی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درحد چند سطر سخن گفته که نام مادر ایشان نرجس و دختر قیصر روم است و پس از تولد، ایشان را به مدت ۷۴ سال از بیم دشمن مخفی نگه داشته و بعد ناپدید شده است. اعتقاد شیعیان به زنده بودن ایشان است (بناکتی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶).

۴-۵. تاریخ ابی الفداء، ابوالفداء (م ۷۳۲)

ابوالفداء اسماعیل بن علی بن محمود در دمشق در سال ۶۷۲ متولد شد. وی در شمال حمص زندگی کرد و همانجا در سال ۷۳۲ هم وفات کرد. (حموی، بی تا، ۲/۳۰۰) او در زمانی می زیست که شام اوضاع آرامی نداشت و بین مسلمانان و صلیبیان پیکار بود و پیشروی مغولان به سمت شام هنوز متوقف نشده بود. ابوالفداء شافعی مذهب بود. کتاب وی گزارشی مختصر از حوادث و رویدادهاست که براساس سال تنظیم شده است. رویه کتاب، تاریخی است و شرح حال امامان



شیعه را نیز آورده است. او در ذیل حوادث سال ۲۶۰ گزارشی درباره وفات امام حسن عسگری علیه السلام می آورد و می نویسد وی یکی از ائمه دوازده گانه است بنابر مذهب امامیه و پدر محمد منتظری که انتظار ظهور وی از سرداب سامرا (به زعمشان) می رود: «وفیها توفی الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه وهو المعروف بالعسکری وهو أحد الأئمة الاثني عشر علی مذهب الإمامیه. وهو والد محمد المنتظر من سرداب سر من رأی علی زعمهم وكان مولده سنة اثنتین وثلاثین ومائتین حسبما تقدم» (ابوالفداء، ۱۴۱۷، ۴۹/۲).

۴-۶. الوافی بالوفیات، صفدی (۶۹۷-۷۶۴)

خلیل بن ایبک صلاح الدین صفدی در صفد از شهرهای صفد فلسطین زاده شد. وی شافعی مذهب بود. در این کتاب به شیوه و ترتیب حروف الفبا پیشرفته است. او در ابتدای هر شرح حال نسب را گفته و شرح حال امامان شیعه را نیز گفته است. وی از عبارت «رضی الله عنه» برای احترام ائمه استفاده کرده است. صفدی در کمتر از نصف صفحه به شرح حال امام حسن عسگری علیه السلام پرداخته که پس از ذکر نسب ایشان گفته است: «به ادعای شیعیان او یکی از ائمه شیعه است که درباره اش ادعای عصمت دارند او پدر منتظر رافضه است که شیعیان مدعی هستند او در سرداب حضور داشته و وی صاحب زمان است». «العسکری والد الإمام المنتظر الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی بن جعفر الصادق بن محمد بن علی بن العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب ابو محمد العسکری. احد ائمه الشیعة الذین یدعون عصمتهم؛ و اما ابنه محمد الحجة الخلف الذی تدعیه الرافضة، فولد سنة ثمان وخمسين، وقيل ست وخمسين. عاش ابعدهایه سنتین، ومات، عدم ولم يعلم کیف مات، وهم یدعون بقاءه فی السرداب من تلك المدة، وأنه صاحب الزمان» (صفدی، ۱۴۲۰، ۷۰/۲).

۴-۷. تاریخ گزیده، مستوفی قزوینی (متوفی بعد از ۷۴۰)

حمدالله ابی بکر بن احمد بن نصر مشهور به مستوفی قزوین از خاندان عرب و جدش حر بن یزید ریاحی بود. خانواده اش در قزوین سکنی گزیدند. سال مرگ وی مشخص نیست. باتوجه به مطالب تاریخ گزیده وی را می توان از اهل سنت دانست که توجه خاص به اهل بیت علیهم السلام داشت. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۴۴۰/۲) شهر محل سکونت وی نزدیک به ری و قم که شیعه نشین بودند، قرار داشت و می توان گفت بر باورهای وی تأثیرات مثبت داشته است. او در کتابش ائمه را معصوم خوانده و در موردی ایشان را حجت خدا بر خلق و مستحق خلافت شمرده است (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۲۰۱/۲). کتاب وی یک دوره تاریخ عمومی جهان است که شامل حوادث و رخدادها تا سال تحریر کتاب یعنی، سال ۷۳۰ است. مطالب شامل تاریخ پیامبران، پادشاهان، خلفای راشدین، بنی امیه، بنی عباس و دولت های دیگری است که پس از این روی کار آمدند. درباره ائمه مطالب کوتاهی نوشته و درباره امام زمان گفته است: «شیعیان معتقدند که مهدی آخرالزمان زنده است و هر وقت زمان ظهورش باشد، بیرون می آید و اهل سنت می گویند: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از علویان بنی فاطمی است که هنوز متولد نشده و جمعی می گویند پسر ابودوانیق بود و خدا خودش داند» (موستوفی قزوینی، بی تا، ص ۲۰۷).

۴-۸. ظفرنامه، حمدالله مستوفی (متوفی بعد از ۷۴۰)

ظفرنامه کتابی منظوم و حماسی است که گزارش های تاریخی را در قالب نظم بیان کرده است. براساس نظر آقابزرگ تهرانی این کتاب از قدیمی ترین نمونه های منظوم ادبیات فارسی و دنباله شاهنامه فردوسی است. (طهرانی، بی تا، ۱۹۹/۱۵) او باوجود اینکه سنی است در مدح صحابه به ویژه سه خلیفه اول و عایشه سروده های بلندی دارد. به ائمه اثنی عشر نیز توجه ویژه ای کرده و در بررسی حوادث دوران معتمد در قالب غیبت امام معصوم محمد المهدی پرداخته (طهرانی، بی تا، ۲۱۶/۱۵) و چهارده بیت درباره ایشان سروده است. در نه سالگی از سرداب غایب شده و اینکه شیعه می گوید: «او مهدی آخرالزمان است و در وقت ظهور آشکار می شود» (موستوفی، ۱۳۸۰،



۲۱۵/۳). استفاده از عبارت معصوم، نشان از باورهای شیعی وی دارد. حوادث تاریخی که در منطقه وی رقم خورده است نشان از گسترش شیعه و مناسب بودن اوضاع اجتماعی برای یاد ائمه دارد و مستوفی را ترغیب به این سبک نگارش کرده است.

۴-۹. تاریخ الاسلام، ذهبی (متوفی ۷۴۸)

شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن ذهبی از برجسته‌ترین علمای رجالی و از مورخان مشهور قرن هشتم است. ذهبی ترکانی الاصل بود و در دمشق می‌زیست. وی از سلفیان و اهل حدیث بود و به گفته‌های ابن تیمیه که با وی مصاحبت داشت تمایل دارد. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۳۰۹/۲) به همین دلیل گرایش ضد شیعی ذهبی قوی است. وی تألیفات زیادی دارد. در زمان وی ایوبیان به نشر مذهب شافعی و اشعری مشغول بودند. در کتاب تاریخ الاسلام حوادث تاریخ براساس سال شمار از عصر رسول خدا تا سال ۷۰۰ گزارش شده است. او به شرح حال ائمه شیعه در وفیات هر سال اشاره کرده است و درباره امام حسن عسگری عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌گوید: «او یکی از ائمه اثنی عشری است که شیعیان به عصمت ایشان ادعا دارند و او پدر منتظر رافضیان است»، سپس به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پرداخته که شیعه چه نظری درباره ایشان دارد. در وفیات سال ۲۶۵ و شرح حال‌ها از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف یاد می‌کند و ایشان را خاتم دوازده امام می‌داند که در ادامه هم با تعریض به شیعیان این جمله را می‌نویسد: «فَنَسَأَلُ اللّٰهَ اَنْ يُّثَبِّتَ عَلَيْنَا عَقُولَنَا وَاِيْمَانَنَا»، «وَأَمَّا ابْنُهٗ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الَّذِي يَدْعُوهُ الرَّاغِبَةُ الْقَائِمُ الْخَلْفُ الْحُجَّةُ، فَوَلَدَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَخَمْسِينَ وَ قِيلَ: سَنَةَ سِتِّ وَخَمْسِينَ. عَاشَ بَعْدَ أَبِيهِ سَنَتَيْنِ ثُمَّ عُدِمَ، وَلَمْ يَعْلَمْ كَيْفَ مَاتَ. وَأُمُّهُ أُمَّ وُلْدٍ. وَهَمَّ يَدْعُونَ بَقَاءَهُ فِي السَّرْدَابِ مِنْ أَرْبَعِمِائَةٍ وَخَمْسِينَ سَنَةً، وَأَنَّهُ صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنَّهُ حَى يَعْصَمُ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَيُعْتَرَفُونَ أَنَّ أَحَدًا لَمْ يَرَهُ أَبَدًا، فَنَسَأَلُ اللّٰهَ اَنْ يُّثَبِّتَ عَلَيْنَا عَقُولَنَا وَاِيْمَانَنَا» (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۱۳/۹).

۴-۱۰. البدایه والنهایه، ابن کثیر (م ۷۷۴)

ابوالفدا، اسماعیل بن عمر بن کثیر مشهور به ابن کثیر در دمشق متولد شد. او در دانش تفسیر و تاریخ، کتاب نگاشته است. میل به افعال ابن تیمیه داشت، از این رو با شیعیان ضدیت داشت. اگرچه از امامان با احترام یاد می‌کند، اما می‌گوید شیعه به این امامان معتقد نیستند. وی گرایش‌های شافعی مذهبی داشت. او عنوانی را به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در کتابش تخصیص نداده و گفته: «بدان مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد او یکی از خلفای راشدین و امامانی است که خداوند آنها را به سوی حق هدایت کرده است» (ابن کثیر، ۲۰۰۹، ۱۰۷/۱)، سپس به بیان روایات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره امام زمان می‌پردازد. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را جزو خلفای راشدین معرفی کرده که خود اشکال بزرگی در نظر شیعه است. اطلاعات چندانی ذکر نکرده، اما به نظریه مهدویت شیعه در موارد مختلف تاخته است (ابن کثیر، ۲۰۰۹، ۱۵۳/۱، ۱۹۸/۶).



۵. نتیجه‌گیری

در آثار نویسندگان اهل سنت که به ائمه نیز پرداخته‌اند چند اصول کلی باتوجه به عقاید و مذاهبشان قابل مشاهده است که عبارتند از: حفظ جایگاه صحابه، گشاده‌دستی در نقل فضایل، یاد نکردن از اختلافات صحابه، ترسیم روابط پسندیده میان ائمه و خلفا، پذیرش امامت اخلاقی نه سیاسی ائمه، جدایی ائمه از شیعیان، تعابیری که شیعیان برای ائمه به کار نمی‌برند را به کار می‌برند. حجاز، عراق، خراسان، ماوراءالنهر، جبال و شامات مناطقی هستند که تا قرن هشتم جزو قلمرو جهان اسلام بودند، همه تا قرن سوم و چهارم، شکوفایی علمی داشتند و پس از آنکه دولت‌های شیعی روی کار آمدند، رشد چشم‌گیری نداشتند، اما در قرن‌های بعدی با روی کار آمدن دولت‌های پیرو اهل سنت دوباره رشد کردند. منطقه خراسان و ماوراءالنهر در همه قرن‌ها به دلیل تساهل مذهبی و حکومت‌های سنی اهل سنت در آن زندگی کرده و به ائمه توجه داشتند. در شامات و مصر پس از فاطمیان، قرن شش به بعد اهل سنت پایگاه محکمی داشت و در قرن هشتم این مناطق، آثار بیشتری نسبت به دیگر مناطق اسلامی داشته است. در بین دانشمندان

اهل سنت قرن هشتم که دوازده امام را ذکر کرده‌اند همه نسبت به ائمه نظر مثبت داشته‌اند و فضایل ایشان را یادآور شده‌اند هرچند به شیعیان هجمه دارند. از این میان ذهبی و ابن کثیر ضدیت بیشتری نسبت به اهل تشیع داشته و عقاید آنها را با اکراه بیان کرده‌اند، اما باز ائمه را ستوده و درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاعاتی را ذکر کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید (بی تا). شرح نهج اللاغه. به تحقیق: ابوالفضل ابراهیم. قم: اسماعیلیان.
۲. ابن بطوطه، ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۰۷). رحله. به کوشش: محمد عبدالنعم عریان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۲). زیاره القبور والاستنجا بالمقبور. مصر: نشر دار الصحابه لتراث.
۴. ابن حبان، محمد بن حبان احمد (۱۳۹۳-۱۹۷۳). الثقات. بی جا: وزارت المعارف للحکومه العالیه الهندیه.
۵. ابن کثیر، عمر بن کثیر شافعی معروف به ابن کثیر (۲۰۰۹). البدایه و النهایه. عربستان: نشر بیت الافکار الدولی.
۶. ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۴۱۷). المختصر فی اخبار البشر تاریخ ابی الفدا. به تحقیق: محمود دیوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. امین، سید محسن (بی تا). کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب. بی جا: بی نا.
۸. ایزدی، حسین، حسینی، سید محمد (۱۳۹۴). بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن. نشریه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۲، ۱۱۵-۱۳۹.
۹. بناکتی، داوود بن محمد (۱۳۴۸). روضه اولی الالباب فی معرفه التاریخ و الانساب (تاریخ بناکتی). به کوشش: شعار، جعفر. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۰. پارسا، خواجه محمد (۱۳۸۱). فصل الخطاب. تصحیح: مسگرنژاد، جلیل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. حاجیان پور، حمید (۱۳۸۶). اوضاع سیاسی ماوراءالنهر در دوران اسلامی تا تشکیل دولت صفوی، نشریه تاریخ اسلام، شماره ۳۲، ۶۹-۹۸.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. حکسانی، عبیدالله حاکم (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تحقیق: محمودی، محمدباقر. تهران: مؤسسه طبع و نشر.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷). کشف المراد. تحقیق: حسن زاده آملی، حسن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت (بی تا). معجم البلدان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. داداش نژاد، منصور (۱۳۹۵). سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت. تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۴). سیر اعلام النبلا. تحقیق: شعیب الاناواط. بیروت: مؤسسه رساله.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۲). تاریخ الاسلام. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. شبلینجی، مؤمن بن حسن (بی تا). نور الابصار فی مناقب آل البیت المختار علیهم السلام. قم: رضی.

۲۰. شیرازی، عیسی بن جنید (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار. مترجم: شد الازار (مزارات شیراز). به تصحیح نورانی وصال. شیراز: کتابخانه احمدی.
۲۱. صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ابی‌بکر (۱۴۲۰). الوافی بالوفیات. تحقیق احمد الزناووط. و ترکی مصطفی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۲. ضیایی، محمد عادل، و عزیزی، موسی (۱۳۹۱). علل گسترش فقه حنفی در ماورالنهر تا پایان عصر سامانیان. نشریه پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره هفتم، ۳۱-۵۷.
۲۳. طبری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴). الریاض النصره فی مناقب النشرة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. طهرانی، آقابزرگ (بی تا). الذریعه الی تصانیف الشیعه. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۵. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۸). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. عطاردی قوجانی، عزیزالله (۱۳۷۳). عبدالعظیم حسنی حیاتی و مسند. تهران: عطار.
۲۷. غفرانی، علی (۱۳۸۷). فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان. قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۲۸. قائدان، اصغر (۱۳۸۲). آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی در گذشته و حال. قم: دار الحدیث.
۲۹. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. مترجم: محمد مرا بن عبدالرحمن. تصحیح: مرادی، محمدشاه. تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. گای، لسترنیج (۱۳۹۳). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. تهران: علمی فرهنگ.
۳۱. گلجان، مهدی (۱۳۸۳). میراث مشترک نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر. تهران: امیر کبیر.
۳۲. منصور، نزار (۱۴۳۵). النصره لشیعه البصره. قاهره: مکتبه مدبولی.
۳۳. مستوفی قزوینی، و حمدالله ابی بکر احمد (بی تا). تاریخ گزیده. محقق: نوایی، عبدالحسین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۴. مستوفی قزوینی، و حمدالله ابی بکر احمد (۱۳۸۰). ظفرنامه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۰۷). الرجال. محقق: شبیری زنجانی، سید موسی. قم: نشر دار الاسلامی.
۳۶. نرسخی ابوبکر، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تلخیص محمد بن زفر بن عمر. تهران: نشر توس.
۳۷. همدانی معتزلی، قاضی ابوالحسن عبدالجبار (بی تا). تثبیت الدلائل النبوه. محقق: عبدالکریم عثمان. لبنان: دار العربیه.
۳۸. یافعی، ابومحمد عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان (۱۴۱۷-۱۹۹۷). مرآة الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان. بیروت: دار الکتب العلمیه.